

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتَشِيَّتَنَّهُ لِلنَّاسِ
وَلَا تَكْفُرُونَهُ فَبَدُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا
قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ (آل عمران / ۱۸۷)

و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به
آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید
آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمان
نکنند. پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند
و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه
بد معامله ای کردند.

۱. عهدهای که وفانند...

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ
 وَلَا تَكْفُرُونَهُ، فَنبذوه ووراء ظهورهم وأشترؤا به ثمناً
 قليلاً فبئس ما اشتروا ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا
 آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْتَهُمْ
 بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي
 خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ
 لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا
 وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِلاً تُسَبِّحُنَا فَعِنَّا عَذَابُ النَّارِ ﴿١٩١﴾
 رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
 أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ
 ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
 سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مِنَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَعَإِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ
 رُسُلِكَ وَلَا نَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾



تلاوت کنیم

نکات حفظ



ترتیل



حفظ کنیم

آینهٔ عبرت

این آیه مانند آیات بسیاری از قرآن کریم به مذمت برخی از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شده، پرداخته است. حال سؤالاتی مطرح می‌شود که کدام اهل کتاب و به چه علتی مشمول این آیات شده‌اند؟ این آیات به چه دلیل در کتاب جاودانهٔ خدا قرار گرفته و مطالعه و تدبر در آنها به چه دلیل بر ما و امت نبی مکرم تا قیامت امر شده است؟ چه شباهت احتمالی میان دستور کار یا عاقبت امت نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با امت‌های گذشته وجود دارد؟ برای روشن شدن جواب این سؤالات باید بدانیم داستان از چه قرار است. نخست باید از بستری که موجب نزول این آیات شده است، سخن بگوییم؛ ماجرابی که به صورت مکرر و تأثیرگذار در اقوام انبیای پیشین عليهم السلام پیش آمده است و موجب شده تا خداوند تذکرات شدیدی بدهد. این داستان آینهٔ عبرتی است در مقابل دیدگان امت پیامبر ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا ما به این مشکل دچار نشویم.



بشنویم

بهترین برنامه

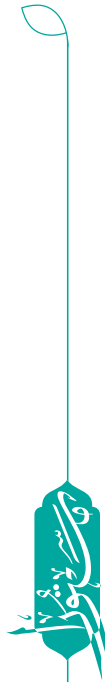
داستان از این قرار است که از سویی، خدا انسان را آفریده و به همین سبب، همهٔ جوانب خلقت او و نیازها و توانایی‌های او را می‌داند. از سوی دیگر، مطابق با ویژگی‌های انسان، برنامه‌ای راستین را برای هدایت و سعادت انسان در قالب کتاب، تدوین کرده که این برنامه از طریق انبیا فرورستاده شده است. در این راستا، به همهٔ خداپاوران توصیه می‌کند که این برنامه را تبلیغ کنند و به گوش دیگران برسانند و با تبیین این برنامه و دوری از پنهان‌سازی پاسخ پرسش‌های مهم زندگی بشر، مقدمهٔ اجرایی شدن آن را فراهم آورند.

جهاد تبیین

ماجرای امت‌ها و انبیای آن‌ها از آنجا آغاز می‌شود که خداوند متعال برای هر گروهی از مردم، برنامه‌ای را فرو فرستاده است که فقط با تبعیت از آن، هدایت آن قوم شکل می‌گیرد و هر بیراههٔ دیگری، به ضلالت ختم خواهد شد.^۱ پس وظیفهٔ محوری امت هر پیامبری، تبعیت از آن برنامهٔ آسمانی بود که توسط انبیا علیهم‌السلام برای این قوم آورده شده بود. طبیعی است که برای سامان دادن یک زندگی الهی، باید در این برنامهٔ آسمانی پاسخ به

۱. النحل / ۳۶: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّبْنَا عَلَيْهِ الضَّلَالَةَ فَمَنْ فِي الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ»

«و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که [اعلام کند که] خدا را بپرستید و از [پرستش] طاغوت بپرهیزید. پس خدا گروهی از آنان را [که لیاقت نشان دادند] هدایت کرد و گروهی [دیگر] را به سبب تکبر و عنادشان [گمراهی بر آنان مقرر شد. پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بود.»



همه پرسش‌های مهم و تأثیرگذار زندگی آن قوم بیان شده باشد. در مقابل، خداوند متعال نیز از مردم انتظار دارد که با قبول رسولانش، این برنامه آسمانی را با جان و دل بپذیرند و آن را سرلوحه همه زندگی خویش قرار دهند و پاسخ سؤالات خویش را در آن جست‌وجو کنند و بر آن اساس، زندگی مؤمنانه خویش را بنا نهند و این پاسخ‌های نجات‌بخش را برای همه مردم تبیین کنند: ﴿لَتَيَّتِنَهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْفُرُونَ﴾

متأسفانه در طول تاریخ، کم نبوده‌اند اقوامی که به این آیین زندگی مؤمنانه در عمل اعتنایی نکرده و به دنبال راه‌های دیگری رفته‌اند: ﴿فَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ﴾ به گمان خود، چیزهایی را پسند و نیکو و چیزهایی را ناپسند و مذموم شمرده‌اند که هیچ‌کدام مطابق برنامه هدایت الهی نبوده است. این آیه و آیاتی شبیه به این، در مذمت این‌گونه افراد نازل شده است؛ آن‌هایی که برنامه گران‌بهای خدا را ارزان فروخته‌اند و چه بد معامله‌ای کرده‌اند! ﴿وَاشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾

باور غلط

ممکن است تصور شود که تنها بار مسئولیت رساندن و اجرای این برنامه آسمانی بر عهده انبیا عليهم السلام است. این باور غلط، خودش دامی از وسوسه‌های شیطانی برای خالی کردن عرصه مجاهدت فکری و تبلیغی دین خدا توسط مؤمنان است. طبق آیه شریف و منور آغازین این نوشتار، پس از فرو فرستادن این برنامه آسمانی، پیمانی محکم درباره «کتاب» از همه مؤمنان گرفته شده است که «همگان» باید به آن پایبند باشند و سستی یا کوتاهی در این پیمان، عقوبت سختی را در پی خواهد



داشت. در همین آیه، خداوند متعال این ناعهدی‌ها را مذمت کرده است. خطاب آیه با ضمیر جمع مخاطب نیز نشان‌دهنده همین مطلب است که این وظیفه تبیین و تبلیغ، نه تنها بر دوش انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بلکه بر عهده همه مؤمنان و صاحبان کتاب است.

انتظار خدا

جالب‌تر آنکه محتوای این پیمان نیز در همین آیه بیان شده است. خداوند متعال از اهل کتاب انتظار داشته است سخن خدا را با تأمل بفهمند و به‌شکلی پذیرفتنی برای همه مردم، «تبیین» کنند. اهمیت این تبلیغ و رساندن پیام الهی به دیگران به حدی بوده است که در این آیه با عبارت «**أَتَيْتَهُ لِلنَّاسِ**» با لام قسم و نون تأکید، بر آن پافشاری شده است. از بازگونکردن این مسائل مهم زندگی بشر توسط اهل کتاب نیز تعبیر به «کتمان» شده است؛ گویا کسانی که وظیفه تبلیغی رساندن محتوای کتاب الهی به دیگران را انجام نمی‌دهند، به‌نوعی به پنهان‌کردن فرامین الهی مشغولند. این قسمت از آیه نهی از چنین کوتاهی، قصور و یا تقصیری است: «**وَلَا تَكْتُمُونَهُ**»

گروه فراوانی از انسان‌ها، از این وظیفه شانه خالی می‌کنند و آن را پشت‌سر می‌اندازند و به این عهد و پیمان الهی وفا نمی‌کنند: «**فَقَبْدُ وَهُ** **وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ**»؛ بنابراین همه‌گیری این برنامه که متوقف بر تبیین و کتمان‌نکردن مؤمنان است، ناقص می‌ماند، مأموریت انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و امتشان به سرانجام واقعی‌اش نمی‌رسد، سؤال‌های مهم بشری

پاسخ‌های درخوری نمی‌یابد و مسیر زندگی بشر از هدایت و سعادت فاصله می‌گیرد.

امت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مانند اهل کتاب‌های پیشین، با سؤال‌های اساسی مهمی در زندگی روبه‌روست که پاسخ صحیح بدان‌ها و قدم‌نهادن در مسیر این پاسخ‌ها می‌تواند سعادت ابدی را برای او فراهم آورد. همین نکته، علت انزال کتاب آسمانی قرآن و بعثت نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. بر این اساس، همان‌طور که خداوند متعال فرموده است، رسیدن به پاسخ‌های صواب، هیچ راه دیگری غیر از مسیر آسمانی‌اش ندارد.^۱ قرآن همان برنامه یکتای سعادت امت ختمی‌مرتبت است که بشر را به استوارترین آیین هدایت می‌کند^۲ و خداوند متعال در آن تمام مطالب مرتبط با هدایت بشر را بیان کرده است.^۳

راه خروج از فتنه‌ها

خود پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در موقعیت‌های گوناگونی ما را به تمسک به قرآن امر فرموده‌اند. یکی از مشهورترین آن‌ها حدیث شریف ثقلین است که گمراه‌نشدن و در وادی ضلالت قرار نگرفتن، به تمسک به قرآن

۱. النساء / ۱۱۳: «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمْنَاكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا»
«و خدا کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد، و آنچه را هرگز نمی‌توانستی بیاموزی به تو آموخت؛ و همواره فضل خدا بر تو بزرگ است.»

۲. الإسراء / ۹: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَيِّنُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»
«بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مرزده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است.»

۳. النحل / ۸۹: «... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»
«و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مرزده‌ای برای تسلیم‌شدگان [به فرمان‌های خدا] است.»

و عترت مشروط شده است.^۱ همچنین در روایت دیگری از این وجود مبارک، راه نجات از غبار فتنه‌هایی که مانند تکه‌های شب تاریک انسان را در بر می‌گیرد، قرآن معرفی شده است.^۲

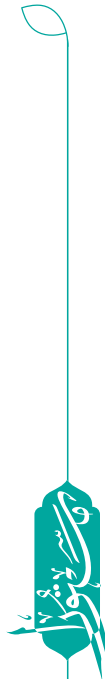
قرآن به‌عنوان کتاب هدایت، برای هر مسئله مهم و تأثیرگذار در عرصه‌های فردی و فکری و تمدنی، باید پاسخی درخور و راهنما داشته باشد؛ زیرا اگر پاسخ مسائل مهم بشری در کتاب خدا بیان نشده باشد، فرستادن پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و کتاب‌های آسمانی بیهوده خواهد بود و هدف او از آن محقق نخواهد شد.

باید بگوییم مانند اهل کتاب که خداوند متعال از آن‌ها عهد و میثاق تبیین و کتمان‌نکردن گرفته است، ما نیز مخاطب همین آیه هستیم. در نتیجه، این‌گونه نیست که وظیفه تبیین و تبلیغ برنامه آسمانی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فقط بر دوش او یا معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و یا حتی علما باشد؛ بلکه هر کدام از مؤمنان به تناسب بهره‌ای که از کتاب خدا برده است، وظیفه تبلیغ و تبیین آن را برای سایرین دارد. این همان عهدی است که خدا از ما گرفته و بر آن تأکید کرده و در این آیه و امثال آن، ما را از شکستن این پیمان، برحذر داشته است.

در نتیجه، این وظیفه همه مؤمنین است که خود را مخاطب آیات ببینند و سعی کنند مقصود آن را بفهمند و همچنین به‌گونه‌ای قابل فهم برای دیگران تبیین کنند. در مقابل، روی آوردن انسان به نسخه‌های

۱. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ» (شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۳).

۲. «فَإِذَا التَّبَسَّثَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹).



غیرواقعی که به جای پاسخ به سؤالات مهم بشر، او را سرگردان می‌کنند، و یا شانه خالی کردن او از تبلیغ کلام و برنامه خدا، به گونه ای بی‌وفایی به عهد و پیمان الهی است.

میلیون‌ها سؤال زندگی

این معنا در فرمایشی از رهبر معظم انقلاب چنین منعکس شده است:

اگر با قرآن اُنس گرفتیم، آن وقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبّر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سؤالات گوناگون جواب بدهند. منظورم از سؤالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سؤالات درباره زندگی است، زندگی کردن. الان میلیون‌ها سؤال در مقابل ماست. وقتی که یک جامعه‌ای با یک حکومتی، زندگی را به سمت آرمان‌هایی دارد حرکت می‌دهد و حرکت می‌کند، با هزاران هزار سؤال مواجه است: در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضوع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ این‌ها همه سؤالاتی است که مطرح است؛ همه این سؤالات جواب دارد. بشریت گمراه و بدبخت شد، به خاطر اینکه جواب‌های درست این سؤالات را پیدا نکرد. بدبختی امروز دنیا و بشر به خاطر این است که جواب‌های درست را به این سؤالات بلد نشد، فرا نگرفت؛ پاسخ‌های غلط، پاسخ‌های انحرافی، پاسخ‌های گمراه‌کننده دریافت کرد، به ذهنش رسید، عمل کرد، [لذا] امروز رسیده به اینجا؛ دنیا امتیّت ندارد، صفا ندارد، معنویّت ندارد،

آرامش روحی ندارد، دل‌های آحاد جامعه با یکدیگر صاف نیست؛ این وضعیت امروز دنیاست، همه دنیا این جور است... این‌ها همه به خاطر این است که سؤالات زندگی درست جواب داده نشده، غلط فهمیده شده. آن وقت این نظام‌های اقتصادی و سیاسی کج و معوج در دنیا به وجود آمده و بشریت، مبتلا است؛ میلیاردها انسان، مبتلای این وضعیتند... هدایت در قرآن است. اگر با قرآن انس گرفتیم، اگر قرآن را درست فهمیدیم، اگر در قرآن تدبّر کردیم، آن وقت پاسخ درست به سؤالات زندگی به ما داده خواهد شد. بایستی برویم دنبال این؛ این چیز مهمی است.^۱

برای این که مطالب روشن‌تر شود خلاصه‌ای از آن‌ها را در قالب چند جمله بیان می‌کنیم:

۱. خداوند، خالق انسان است و از همه ویژگی‌ها و نیازهای جسمی و روحی او آگاه است.
۲. خداوند متعال متناسب با نیازهای انسان، برنامه‌ای برای هدایت او در قالب کتاب‌های آسمانی فرود فرستاده است.
۳. پیروی از این برنامه که موجب سعادت و رستگاری انسان خواهد شد نیازمند تبیین برای همه مردم است.
۴. تبیین این برنامه الهی فقط وظیفه پیامبران و علمای امت نیست و هر کسی به میزان آگاهی‌اش باید در این رسالت شریک باشد؛ بر این اساس، خداوند با دانایان و آگاهان پیمان بسته است تا نقشی فعال در این زمینه داشته باشند.

۱. بیانات معظم له در محفل انس با قرآن کریم، مورخ ۱۳۹۶/۳/۶.

۵. گروه‌های زیادی از اقوام پیشین از زیر بار این وظیفه بزرگ شانه خالی کردند و این تبیین‌نکردن و کتمان، موجب شد تا جامعه در تاریکی جهالت قرار گیرد؛ از این رو، خداوند متعال به شدت آن‌ها را مؤاخذه کرد و با بیان داستان آن‌ها، آینه عبرتی برای امت پیامبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد.

در این کتاب...

حال که سنگینی این عهد و پیمان الهی را بر دوش خود بیش از پیش احساس می‌کنیم، در این کتاب سعی داریم برای تمرین انس با کتاب، درباره موضوعی واقعی که در سال اخیر باعث فتنه‌ای جدید شده است، به صورت مسئله محور، با قرآن کریم مواجهه‌ای ابتدایی داشته باشیم و از این مسیر برای برخی از سؤالات که این روزها جامعه ما بیشتر با آن درگیر شده است، پاسخ‌هایی جست‌وجو کنیم. می‌خواهیم با بررسی گوشه‌ای از آیات پرنور قرآن درباره مسئله «زن و خانواده»، ابعادی از نزاع دیرینه شیطان و انسان و تقابل امروزین آن‌ها در قرآن را پیگیری کنیم و سپس چگونگی پیاده‌سازی و بهره‌مندی از الگوهای قرآنی را، در قالب حرکت حلقه‌های میانی بیان کنیم تا خاتمه‌ای انگیزشی بر مطالب پیشین باشد.

